

## ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی با رویکرد اسلامی

داود محمودی نیا<sup>a</sup>، نجمه بیدمال<sup>b</sup>

<sup>a</sup> عضو هیئت علمی (استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان)

<sup>b</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی سیستم های اقتصادی (گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان)

نویسنده مسئول: نجمه بیدمال (najmeh.bydmal@yahoo.com)

**چکیده:** کاهش نابرابری، فقر و رشد اقتصادی، به عنوان مهم ترین چالش های شناخته شده و نقش کلیدی که در پیش ران محرک توسعه اقتصادی هر کشوری دارد، همیشه مورد توجه بوده است. لذا این پژوهش به ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی با رویکرد اسلامی در کشور ایران طی سال های ۱۳۶۰-۱۳۹۶ با استفاده از روش های FMOLS, DOLS و آنالیز توابع عکس العمل آبی الگوی BVAR اثر متغیرها را بر نابرابری بررسی نموده. نتایج حاکی از؛ رابطه بلندمدت منفی بین متغیرهای رشد اقتصادی، کارایی دولت و تورم با متغیر نابرابری است و رابطه بلندمدت مثبت بین متغیرهای هزینه های دهک دهم به دهک اول و رشد نقدینگی با نابرابری است. بنابراین لازم که برای ریشه کن کردن فقر، کاهش نابرابری و رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب باید شناخت درستی از عوامل موثر بر آن با توجه به وضعیت و شرایط اقتصادی کشور جهت تجزیه و تحلیل بهتر مسائل و ارائه راه حل های و اتخاذ سیاست های مناسب، مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

**کلمات کلیدی:** نابرابری، فقر، رشد اقتصادی، عدالت، عدالت اقتصادی.

### ۱. مقدمه

قبل از اینکه به ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی بپردازیم بهتر است که به اهمیت عدالت در قرآن کریم، سخنان امامان معصوم نگاه کلی بنماییم. عدالت همیشه و در طول تاریخ مورد توجه اقتصاددانان، اندیشمندان و تمامی ادیان بوده است و هم چنین دین اسلام به عمل کردن به عدالت و نیکی فرمان داده است «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»<sup>۱</sup> و هدف از ارسال پیامبران را به پاداشتن عدل و قسط معرفی کرده است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>۲</sup>. حضرت علی (ع) می فرماید: «العدل يرضع الامور مواضعها»<sup>۳</sup> عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می دهد و امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «اگر میان مردم عدالت اجرا می شد، بی نیاز می شدند»<sup>۴</sup>.

یکی از مهم ترین اهداف مطالعات توسعه ای، کاهش فقر و تعامل آن با عدالت است که از طریق ارتباط رشد اقتصادی با توزیع درآمد می توان آن را مورد بحث و بررسی قرار داد (باقری و کاوند، ۱۳۸۷). دو فرضیه متفاوت درباره کاهش فقر در ادبیات توسعه اقتصادی وجود دارد: ۱- فقر به واسطه افزایش رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمد کاهش می یابد. ۲- ممکن است که رشد اقتصادی فزاینده، توزیع درآمد را بدتر کند (مرتضوی و همکاران، ۱۳۹۰).

رشد اقتصادی و توزیع درآمد از عوامل مهم و تاثیرگذار بر کاهش فقر در ایران می باشد که بهبود نحوه توزیع درآمد در کاهش فقر تاثیرگذاری زیادی خواهد داشت بنابراین سیاست های توزیعی نقش بسیار مهم و ویژه ای را دارند. کاهش فقر به عامل متوسط درآمد و نابرابری بستگی پیدا می کند. افزایش متوسط درآمد (مصرف)، فقر را کاهش و افزایش نابرابری، فقر را افزایش می دهد. در اثر رشد اقتصادی، متوسط درآمد (مصرف) افزایش می یابد اما نابرابری می تواند افزایش یا کاهش داشته باشد (خداپرست و داودی، ۱۳۹۲؛ پیرائی و قناعتیان، ۱۳۸۵).

کشور ایران از امکانات طبیعی زیادی برای رسیدن به رشد اقتصادی سریع برخوردار می باشد و تامین عدالت اجتماعی و رفع فقر و محرومیت از طریق ایجاد تعادل در توزیع درآمد بین احاد افراد جامعه مورد تاکید قانون اساسی است (حیدری و حسن زاده، ۱۳۹۵). همانطور که طی دهه های گذشته اقتصاد ایران با مشکلات اقتصادی مختلفی مانند افزایش تورم، بیکاری، کسری تراپرداخت ها و... در سطح اقتصاد کلان و آثار و عواقب آن بر روی فقر، توزیع درآمد و... توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است (خسرو نژاد، ۱۳۹۱). فقر و نابرابری در ایران به صورت یکی از چالش های مهم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی درآمده است. هر برنامه عملی برای ریشه کنی فقر و نابرابری مستلزم شناخت عوامل موثر آن، اتخاذ سیاست ها و برنامه های مناسب برای مقابله با آن و اجرای موفقیت آمیز این سیاست ها و برنامه ها است (هادی زنون، ۱۳۸۴).

از پیش نیازهای عدالت اقتصادی می توان به عمران و آبادی زمین، سرمایه گذاری، مدیریت کارآمد و برنامه ریزی درست، صرفه جویی و ریاضت اقتصادی، کار و تلاش و در نهایت انسجام اجتماعی اشاره کرد، از موانع تحقق عدالت اقتصادی می توان به آزادی اقتصادی و اقتصاد آزاد، استثمار، انحصارگرایی، اسراف و شیوه نادرست توزیع درآمد اشاره کرد (فتحانی، ۱۳۸۸: ص ۷۱). در ساحت روابط اقتصادی، پدیده های ناهنجاری از قبیل بیکاری، عدم تثبیت قیمت ها، کاهش ارزش پول ملی و...، نمودهایی از بی عدالتی به شمار می آید (نظری، ۱۳۸۳). در مورد نابرابری به شاخص هایی مانند شاخص آنتروپی تعمیم یافته، شاخص نابرابری تایل، شاخص نابرابری اتکینسون و ضریب جینی می توان اشاره کرد (باقری و کاوند، ۱۳۸۷: ۱۷۶). در اکثر مطالعات از ضریب جینی به عنوان وسیله سنجش نابرابری استفاده

<sup>۱</sup> سوره نحل، آیه ۹۰

<sup>۲</sup> سوره حدید، آیه ۲۵

<sup>۳</sup> نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷

<sup>۴</sup> محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ق، الاولى، ج ۱۱، ص ۱۲۳.

شده است. پدیدار شدن فقر که نمودی از توسعه نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، ثبات سیاسی، همبستگی اجتماعی و همچنین سلامت جسمی و روحی ملت‌ها را تهدید کرده و موجب افزایش مرگ و میر (به خصوص مرگ و میر نوزادان و زنان باردار)، کاهش متوسط طول عمر، کارایی نیروی کار و در نهایت بهره‌وری اقتصادی می‌گردد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷: ص ۲۸).

در چند دهه اخیر اقتصاد ایران با نوسانات زیادی در متغیرهای نابرابری، فقر و رشد اقتصادی مواجه بوده است با توجه به آمار و داده‌ها برای کشور ایران، متوسط متغیر نابرابری که معیار سنجش آن شاخص ضریب جینی است در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۶ برابر با ۰,۴۰۲ بوده است که متوسط ضریب جینی در دهه ۶۰ برابر با ۰,۴۱۴، دهه ۷۰ برابر با ۰,۳۹۸، دهه ۸۰ برابر با ۰,۴ و دهه ۹۰ تا سال ۱۳۹۶ برابر با ۰,۳۹۴ بوده است که کمترین نابرابری مربوط به سال ۱۳۹۰ با ۰,۳۷۵ بوده است و بیشترین میزان نابرابری در سال ۱۳۶۲ با ۰,۴۵۴ بوده است. متوسط متغیر سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۶ برابر با ۱۵,۹ بوده است که متوسط این متغیر در دهه ۶۰ برابر با ۱۹,۲، دهه ۷۰ برابر با ۱۵,۴، دهه ۸۰ برابر با ۱۴,۷ و دهه ۹۰ تا سال ۱۳۹۶ برابر با ۱۳,۶ بوده است که کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۹۰ با ۱۲,۲ بوده است و بیشترین میزان در سال ۱۳۶۱ با ۲۵,۵ بوده است. و همچنین متوسط متغیر رشد اقتصادی (به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۰) در طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۶ برابر با ۳,۲ بوده است که متوسط رشد اقتصادی در دهه ۶۰ برابر با ۲,۸، دهه ۷۰ برابر با ۳,۱، دهه ۸۰ برابر با ۴,۴ و دهه ۹۰ تا سال ۱۳۹۶ برابر با ۲,۲ بوده است که کمترین میزان رشد اقتصادی در سال ۱۳۶۵ با ۱-۰,۲ بوده است و بیشترین میزان رشد اقتصادی مربوط به سال ۱۳۶۱ با ۲۷,۲ بوده است.

فقر و نابرابری به عنوان یکی از چالش‌های مهم در کشور شناخته شده است و بی‌توجهی به آن می‌تواند مشکلات زیادی و جبران‌ناپذیری را برای کشور به وجود آورد و همانطور که در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «به تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی انسان استوار شده است». از آنجایی که کاهش فقر، برقراری عدالت و رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب بعد از انقلاب اسلامی ایران مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور بوده است. لذا امروزه کشور ما با مشکلات فقر و نابرابری درآمد و ثروت مواجه است و در زمان حال با بحران کرونا مواجه هستیم و تاثیراتی که این بحران بر رشد اقتصادی، فقر و نابرابری می‌تواند در کشور ایجاد می‌کند. از این رو این پژوهش ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی برای سال‌های (۱۳۶۰ - ۱۳۹۶) ایران بررسی خواهد نمود.

ساختار تدوین این پژوهش به این شرح است که، در بخش دوم مبانی نظری مرتبط با بحث ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی خواهیم پرداخت. در بخش سوم مطالعات تجربی و پیشینه پژوهش، به مطالعاتی که در زمینه نابرابری، فقر و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش چهارم روش تحقیق، به معرفی متغیرها و مدل‌های به کار گرفته شده بررسی خواهند شد. در بخش پنجم یافته‌های تحقیق، به نتایج حاصل از برآورد الگوها، مقایسه آنها و جمع‌بندی اختصاص خواهد یافت. در بخش ششم، خلاصه و نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

## ۲. مبانی نظری

اسلام توجه ویژه‌ای به رفع فقر و کاهش نابرابری داشته است از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی (به عنوان هدف نهایی محسوب نمی‌شود بلکه ابزاری برای رفاه عمومی آحاد افراد جامعه است) و افزایش درآمد سرانه جامعه است و آنچه اهمیت بیشتری دارد تأثیر رشد اقتصادی بر زندگی مردم است. رشد اقتصادی وقتی هدف اقتصادی است که بتواند در زندگی مردم تجلی و نمود پیدا کند (شهید صدر، ۱۳۷۵). حکومت خوب، مکملی ضروری برای سیاست‌های اقتصادی سالم و محور برای ایجاد و تأمین محیطی است که موجب توسعه مستحکم و عادلانه می‌شود (بانک جهانی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲).

مطالعه کوزنتس<sup>۲</sup> (۱۹۵۵)، اولین پژوهشی است که در رابطه با رشد اقتصادی و نابرابری درآمد انجام شده است. وی نظریه‌ای را در مورد اینکه در دوره‌هایی که یک کشور رشد اقتصادی بالایی دارد، نابرابری درآمدی و شکاف طبقاتی در آن کشور افزایش می‌یابد (رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و نابرابری درآمد) ارائه داد. بعد از ارائه این نظریه، تعداد زیادی از اقتصاددانان این موضوع را مورد توجه خود قرار دادند و آن را برای کشور خود و رابطه U شکل معکوس را که کوزنتس در رابطه با رشد اقتصادی و توزیع درآمد ارائه داده بود را مورد بحث و بررسی خود قرار دادند. از جمله مطالعاتی که برای کشور ایران انجام شده و فرضیه کوزنتس را مورد بررسی و آزمون قرار دادند می‌توان به مطالعات نیلی و فرح بخش (۱۳۷۷)، مهدوی عادل و رنجبرکی<sup>۳</sup> (۲۰۰۵)، ورقائی<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، پور غفار و حسین‌زاده (۱۳۹۴) و ... اشاره کرد که با توجه به نتایج پژوهش آن‌ها این فرضیه، رابطه مثبت بین نابرابری و رشد اقتصادی برای کشور ایران صدق نمی‌کند. اما مطالعاتی مانند مطالعه صدر منوچهری نائینی (۱۳۷۶) و ... انجام شده که این نظریه را برای کشور ایران مورد تأیید قرار می‌دهند.

ادبیات مربوط به رشد درون‌زا اخیر چهار استدلال نظری مهم را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد چرا نابرابری درآمد و ثروت می‌تواند مانع از رشد اقتصادی بلندمدت شود (پرووتی<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶): ۱- کانال اقتصاد سیاسی استدلال می‌کند که نابرابری فشار سیاسی را برای توزیع مجدد بیشتر هزینه‌های دولت از طریق مالیات تحریف ایجاد می‌کند، که به نوبه خود باعث کاهش سرمایه‌گذاری و رشد می‌شود. ۲- کانال بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی این موضوع را مطرح می‌کند نابرابری باعث ایجاد بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی و عدم اطمینان در امنیت حقوق مالکیت می‌شود و از این طریق انباشت سرمایه و رشد را کند می‌کند. ۳- کانال عیوب بازار اعتبار

<sup>۱</sup> World Bank

<sup>۲</sup> Kuznets

<sup>۳</sup> Mahdavi, A & Ranjbaraki

<sup>۴</sup> Varaghaei

<sup>۵</sup> Perotti

استدلال می‌کند که نابرابری باعث انباشت سرمایه انسانی برای هر سطح معیوب از نقص در بازار اعتبار می‌شود و در نتیجه باعث کاهش سرمایه‌گذاری و رشد می‌شود. ۴- کانال باروری بیان می‌کند که نابرابری باعث افزایش باروری و کاهش سرمایه‌گذاری در سرمایه‌انسانی می‌شود که در نهایت تشکیل سرمایه و رشد اقتصادی را کند می‌کند (رابیل اسلام و مک‌گیلوی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ص ۲ الی ۳).

جان رالز<sup>۲</sup> نظریه عدالت او از مشهورترین نظریه‌ها در قرن بیستم می‌باشد و در تئوری عدالت خود بیان می‌کند که امتیازات خاص و نابرابری‌ها واقعیت‌هایی از جامعه‌اند که قابل حذف نمی‌باشند و براساس اصل انصاف باید آنها را تعدیل کرد. و اعتقاد داشت زمانی توزیع عادلانه درآمد و ثروت اتفاق می‌افتد که رفاه محروم‌ترین قشر جامعه به حداکثر میزان خود برسد و برای آن دو اصل در نظر می‌گیرد: ۱- آزادی‌ها و فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه ۲- نابرابری اقتصادی و اجتماعی در زمانی که منافع قشر فقیر جامعه در خطر نیفتند و بیشترین مزیت به نفع محروم‌ترین قشر جامعه باشد و امکان پیوستن به مناصب و موقعیت‌های قابل دسترس برای همه افراد جامعه در شرایط برابر منصفانه و عادلانه تلقی می‌کند. و از طریق وضع مالیات، توزیع ثروت و درآمد، تامین حداقل معیشت، حفظ رقابت در بازار، جلوگیری از تمرکز قدرت برای جلوگیری از آزادی و ایجاد فرصت برابر برای کم کردن نابرابری‌ها، دخالت دولت را در صورتی که کارایی اقتصادی و توان تولیدی را کاهش ندهد ضروری می‌داند (جان رالز، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱). لذا منقدانی بوده‌اند که به نظریه رالز انتقاد گرفتند مانند رابرت نوزیک<sup>۳</sup> و ...

گونار میردال<sup>۴</sup> بیان می‌کند که پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه دارای رابطه علت و معلولی (که در همه زمینه‌ها و ساختارها این رابطه برقرار است) می‌باشند. مثلاً بیکاری، باعث فقر می‌شود و فقر باعث سوء تغذیه و در نتیجه کاهش کارایی حاصل می‌شود و کاهش کارایی به فقر می‌انجامد. وی مفهوم علت تراکمی را وسیله‌ای برای تحلیل واقع‌بینانه از تحولات اجتماعی و در نتیجه گوشه‌ای از تئوری عمومی کم‌رشدی و رشدیافتگی است و آن را نیز عاملی می‌داند، که اثرات بازدارنده را تشدید می‌کند. میردال تئوری توسعه‌نیافتگی اقتصاد خود را بر پایه نابرابری‌های منطقه‌ای و تأثیر عوامل خارجی بر آن بنا کرد. برای توصیف تئوری خود از مفهوم اثرات بازدارنده (در اقتصاد تمام تأثیرات منفی تغییراتی که انجام می‌شود، نتیجه فعالیت نیروهایی در خارج از سیستم همانند اثر مهاجرت، تجارت، نوسانات سرمایه و اثرات تراکمی که نتیجه عمل روند عوامل درونی بین تمامی عوامل اقتصادی و غیراقتصادی است، می‌باشد) و اثرات تهییج‌کننده (توسعه‌ای که در یک منطقه ایجاد می‌شود، بر مناطق دیگر نیز آن توسعه اثر می‌گذارد) استفاده کرد که عامل اصلی نابرابری‌های منطقه‌ای، اثرات قوی بازدارنده و اثرات ضعیف تهییج‌کننده در کشورهای توسعه‌نیافته می‌باشد و هم‌چنین میردال اعتقاد داشت که برابری بیشتر و توزیع درآمد عادلانه منتهی به رشد بیشتر خواهد شد (میردال، ۱۳۴۴: ص ۱۹ الی ۲۰؛ قره باغیان، ۱۳۷۵؛ سعیدی، ۱۳۸۶: ص ۲۴۹؛ دادگر، ۱۳۸۳: ص ۵۲۹ الی ۵۳۰).

آلسینا و پروتی<sup>۵</sup> (۱۹۹۶) بیان دارد که قشرهای متوسط و پایین درآمدی نسبت زیادی از جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند اگر توزیع درآمد در جامعه‌ای نابرابر باشد سهم کمتری از درآمد به این قشرها می‌رسد و موجب نارضایتی تعداد زیادی از افراد جامعه می‌شود و باعث بی‌ثباتی بیشتر اجتماعی-سیاسی و گسترش شورش‌های عمومی و اعتراضات که به دنبال آن، از بین رفتن استعدادهای و امکانات جامعه و از بین رفتن امنیت و ثبات اجتماعی که از شرط‌های لازم برای سرمایه‌گذاری است می‌شود در نتیجه به طور منفی رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

از دیدگاه، مایکل تودارو<sup>۶</sup> (۱۹۹۷) در بیشتر موارد نابرابری درآمد باعث می‌شود که نسبت بیشتر مردم از قدرت خرید کمتری برخوردار شوند از آنجایی که فقرا به محصولات داخلی تمایل بیشتری دارند باعث کاهش تقاضای کل و منتج به کاهش رشد اقتصادی می‌شود.

راوالیون، اسکوتر و برانو<sup>۷</sup> (۱۹۹۹) بیان می‌کند که در صورتی که منافع رشد برای فقیران بیشتر از ثروتمندان باشد می‌توان انتظار داشت که اگر نابرابری کاهش پیدا کند رشد اقتصادی منجر به کاهش بیشتر در فقر می‌شود. بر اساس مطالعه تبسم<sup>۸</sup> (۲۰۰۵) رشد اقتصادی به عنوان نیروی محرکه و قدرتمند برای کاهش فقر محسوب می‌شود رشد اقتصادی پایدار و بالا با افزایش تقاضای نیروی کار و دستمزد سبب کاهش فقر می‌شود و درآمدهای بهتر در نتیجه کاهش فقر به افزایش بهره‌وری و رشد خواهد رسید.

مطالعات متعددی در زمینه ارتباط بین رشد اقتصادی، فقر و نابرابری با بحثی تحت عنوان رشد به نفع فقیر<sup>۹</sup> صورت گرفته است از جمله توسط کاکوانی و پرنیا<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۰)، راولیون و چن<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳)، سان<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۴) صورت گرفت و در کشور ایران هم پیرائی و قناعتیان (۱۳۸۵)، باقری و کاوند (۱۳۸۷) و ... به آن پرداخته‌اند. در پژوهش آنها به تعریف رشد به نفع فقیر و اندازه‌گیری آن و ... پرداخته‌اند و تعاریف متعددی از رشد به نفع فقیر ذکر شده که متداول‌ترین تعریف رشد به نفع فقیر، رشدی است که فقر را کاهش می‌دهد و منافع آن بیش از افراد غیرفقیر متوجه افراد فقیر می‌گردد. هم‌چنین راولیون و چن، برای نشان دادن رابطه بین

<sup>۱</sup> Md. Rabiul Islam, Mark McGillivray

<sup>۲</sup> John Rawls

<sup>۳</sup> Robert Nozick

<sup>۴</sup> Gunnar Myrdal

<sup>۵</sup> Alesina & Perotti

<sup>۶</sup> Michael Paul Todaro

<sup>۷</sup> Ravallion, Squire, & Bruno

<sup>۸</sup> Tabassum

<sup>۹</sup> Pro-Poor Growth

<sup>۱۰</sup> Kakwani & Perina

<sup>۱۱</sup> Ravallion & Chen

<sup>۱۲</sup> Son

رشد و فقر منحنی اصابت رشد<sup>۱</sup> (رشد به نفع فقیر را اندازه گیری می کند و نشان می دهد که چگونه نرخ رشد درآمد سرانه بین گروه های مختلف درآمد تغییر می کند) را معرفی کردند.

### ۳. پیشینه پژوهش

#### ۳.۱. مطالعات داخلی

اشرفی و همکاران (۱۳۹۷) در طی سال های برنامه های دوم تا پنجم توسعه ایران ۱۹۹۵-۲۰۱۶، رابطه متقابل رشد اقتصادی، نابرابری و فقر را مورد بررسی قرار دادند. سنجه مورداستفاده، نرخ رشد معادل فقر (میزان رشد و چگونگی منافع رشد توزیع شده میان فقرا و غیرفقرا را با حساب می آورد) بوده است که نتایج حاکی از این است که با وجود اجرای پنج برنامه توسعه، سیاست های کاهش فقر به صورت یک برنامه استراتژیک پایدار در طول برنامه های توسعه به کار گرفته نشده و استفاده از درآمدهای نفتی برای حل مسئله فقر به صورت پروژه درمانی بدون توجه به مسئله رشد و توسعه باعث شده که فقر از یک طرف به تعویق افتاده و از طرف دیگر بازگشت فقر در دوران بعدی با وسعتی بیشتر صورت گیرد.

رفیعی، میرباقری و اکبرپور (۱۳۹۶) با استفاده از روش الگوی تصحیح خطای برداری رابطه بین عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بررسی کردند و در نتایج تحقیق خود نشان دادند که بهبود عدالت اقتصادی در صورت بهبود رشد اقتصادی می باشد و سیاست گذاری در جهت بهبود پارامترهای اقتصادی به ویژه رشد اقتصادی در ایران می تواند به عدالت اقتصادی منجر شود.

حیدری و حسن زاده (۱۳۹۵) با استفاده از الگوی رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم STR تأثیر نابرابری درآمدی بر رشد اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۹۱-۱۳۴۸ پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه مثبت یا منفی خالص میان این دو متغیر وجود ندارد و تأثیر نابرابری درآمدی بر رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی غیرخطی و دارای یک ساختار دو رژیم می باشد که علامت ضریب متغیر جینی به عنوان نماینده نابرابری درآمدی در رژیم اول منفی و در رژیم دوم مثبت برآورد شد که این موضوع تأثیر متفاوت نابرابری درآمدی بر تولید ناخالص داخلی سرانه (رشد اقتصادی) می باشد.

خدایپرست و داودی (۱۳۹۲) اثرات انواع مخارج دولت بر کاهش فقر و نابرابری در ایران برای سال های ۱۳۶۰-۱۳۹۱ را مورد بررسی قرار دادند. و طبق آزمون اربب همزمانی و تست قطری بودن ماتریس وارینانس- کوواریانس جملات پسماندها از روش حداقل مربعات سه مرحله ای استفاده کردند. نتایج مدل نشان داد که با جهت گیری هزینه های دولت به سمت ارتقا شاخص های اجتماعی در ایران و توسعه انسانی که به توانمندسازی فقرا منجر شود که می تواند به توزیع برابر درآمد و کاهش فقر یاری رساند و در مراحل بعدی زیرساخت های اقتصادی می تواند لحاظ شود.

#### ۳.۲. مطالعات خارجی

بریدا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) به بررسی رابطه پویای بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی با استفاده از یک رویکرد غیر پارامتری و طبقه بندی عددی به عنوان یک روش تحقیق براساس روش های خوشه بندی و روش های خوشه بندی پرداخته اند. آنها در پژوهش خود از داده های سالانه شاخص جینی با در نظر گرفتن دو پایگاه اطلاعاتی، یعنی مجموعه داده های درآمد سرانه (SWIID) و نرخ رشد سرانه تولید ناخالص داخلی (متغیر رشد اقتصادی) برای دو نمونه یعنی ۳۸ کشور بین سال های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ و ۲۳ کشور در طول دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ استفاده کردند نتایج مطالعه آنها نشان می دهد که در اقتصادهای توسعه یافته، یک سیاست رشد اقتصادی حامی توزیع درآمد وجود دارد، در حالی که در اقتصادهای فقیر یا در حال توسعه، رشد اقتصادی با تمرکز بر درآمد افزایش می یابد.

رابیل اسلام و مک گیلوی<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) با استفاده از داده های پانل جدید از طرف سوییس برای ۴۵ کشور برای سال های ۲۰۰۰-۲۰۱۲ با استفاده از روش GMM اثرات نابرابری ثروت بر رشد اقتصادی را بررسی کردند و نتایج تجربی برآورد GMM را نشان داد که نابرابری ثروت رابطه منفی با رشد اقتصادی میان کشورها دارد و تحلیل اقتصاد سنجی پژوهش آنان به شش معیار حاکمیت و تعاملات آنها با نابرابری ثروت و رشد اقتصادی می پردازد و نتایج حاکی از آن است که پاسخگویی بیشتر، ثبات سیاسی بالاتر و اثربخشی دولت، کیفیت مقررات بهتر و حاکمیت قانون و کنترل فساد به طور متوسط به کشور کمک می کند تا نابرابری ثروت را کاهش دهند.

چندیکا گوناسینگه و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۹) با استفاده از مدل های (SAVR و SVEC) برای اقتصاد باز در بازه زمانی (۱۹۶۵-۲۰۱۴) به اثر سه شوک سیاست گذاری مالی بر سرانه تولید ناخالص داخلی واقعی (درآمد سرانه) و نابرابری درآمدی در استرالیا پرداختند و این سه شوک شامل مالیات مستقیم، مالیات غیرمستقیم، و مخارج کلی دولت بودند. و نتایج آنها سه پیامد کلیدی در سیاست داشت. ۱- کاهش در مالیات مستقیم، تولید ناخالص داخلی سرانه (درآمد سرانه یا رفاه) را بدون افزایش نابرابری درآمدی افزایش می دهد. ۲- کاهش هزینه های دولت به میزان قابل توجهی افزایش درآمد را افزایش می دهد ۳- اثر زیان آور مالیات غیرمستقیم بر نابرابری درآمد بیشتر از اثر توزیع مجدد مخارج دولت است منجر به تاثیر مثبت بر نابرابری درآمد (یعنی افزایش نابرابری) می شود. که به طور گسترده استراتژی سیاست مالی را برای استفاده از مالیات غیرمستقیم برای تامین مالی توزیع مجدد زیر سوال می برد.

<sup>۱</sup> Growth Incidence Curve

<sup>۲</sup> Brida & et al

<sup>۳</sup> Md. Rabiul Islam, Mark McGillivray

<sup>۴</sup> Chandika Gunasinghe & et al

آگوستین کواسی فسو<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) به بررسی عملکرد کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه با استفاده از داده‌های قابل مقایسه از بانک جهانی می‌پردازد که ابتدا شواهدی در مورد رشد تولید ناخالص داخلی، رشد درآمد و کاهش فقر از زمان آغاز دهه ۱۹۹۰ برای مناطق مختلف جهان برای دو دوره ارائه کرده است و نشان داد که به طور متوسط رشد درآمد مهم‌ترین محرک اصلی کاهش و افزایش فقر بوده است. و نابرابری نقش اساسی در رفتار فقر، در تعداد زیادی از کشورها داشته است که برای سیاست‌گذاری کارآمدتر، باید به ویژگی‌های اصیل کشورها تاکید شود.

#### ۴. روش تحقیق

با توجه به مطالبی که در بخش‌های قبل بیان شده، هدف از این تحقیق ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی با رهیافت سنجی است که برای بررسی این هدف از مطالعات مختلفی از جمله رابیل اسلام و مک‌گیلوی (۲۰۱۹) استفاده شده از طرف دیگر در تدوین این پژوهش سعی شده است که برای به انجام رساندن هدف کلی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار کلان اقتصادی کشور استفاده شود. دوره زمانی مورد بررسی طی سال‌های (۱۳۶۰ - ۱۳۹۶) می‌باشد. بنابراین فرم سنجی مدل الگوی FMOLS و DOLS به فرم زیر می‌باشد:

$$Gini_t = \alpha_t - \beta_1 GDPg_t - \beta_2 GE_t + \beta_3 SRP_t - \beta_4 Inf_t + \beta_5 Liqq_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در بررسی‌های مربوط به ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی، متغیر نابرابری (ضریب جینی) به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای رشد اقتصادی، کارایی دولت، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین (هزینه دهک دهک اول)، تورم، رشد نقدینگی به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. مآخذ جمع آوری داده‌های آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و داده‌های بانک جهانی<sup>۲</sup> است. لذا معرفی متغیرها در جدول (۱) می‌باشد، پس از آن نیز به تعریف متغیرها خواهیم پرداخت.

جدول (۱): معرفی متغیرها

نام متغیر	علامت
ضریب جینی	Gini
رشد اقتصادی	GDPg
کارایی دولت	GE
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	SRP
تورم	Inf
رشد نقدینگی	Liqg

برای بررسی تاثیر این متغیرها بر نابرابری و مطالعه زمان‌بندی شوک‌های وارد شده از سوی متغیرها به نابرابری، اینکه میزان تاثیرگذاری آن‌ها چه مدت زمانی طول می‌کشد از الگوی BVAR استفاده می‌شود. الگوی VAR برای اولین بار توسط سیمز<sup>۳</sup> (۱۹۸۰) ارائه شده و به دلیل قدرت پیش بینی بالایی که دارد مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته است و سیمز برای تخمین روشی را پیشنهاد کرد که در آن باید متغیرهایی که وارد مدل خواهند شد تعیین شوند و تعیین تعداد وقفه (وقفه بهینه) جهت تخمین الگو است. لوتکیپل و رایمرس<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) برای بررسی و دستیابی به اطلاعات پیرامون تاثیرات متقابل بین متغیرها، تجزیه و تحلیل واکنش متغیر را به ضربه (توابع عکس العمل آنی (ضربه و پاسخ)) برای مناسب در الگوی VAR معرفی کرده‌اند.

سیمز (۱۹۹۸)، کاربرد توزیع‌های پیشین مختلف را در الگوی BVAR مطرح کرد و نتایج تحقیقات مختلف نشان داده است که مدل‌های BVAR در پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی عملکرد بهتری را نسبت به مدل‌های VAR دارا می‌باشند. زیرا رویکرد بیزی اطلاعات و داده‌ها را با توزیع‌های پیشین مورد تحقیق ترکیب می‌کند و علاوه بر اطلاعات نمونه‌ای، از اطلاعات پیشین در دسترس محقق نیز استفاده می‌کند (حیدری و جوهری سلماسی، ۱۳۹۴: ص ۶۱).

استاک و واتسون<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) با تعدیل روش حداقل مربعات معمولی، روشی برای برآورد رابطه میان متغیرهای دارای روندهای تصادفی را پیشنهاد کردند و آن را حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) یا حداقل مربعات معمولی تعمیم‌یافته (GOLS) نامیدند. مقصود از پویا بودن، اینست که در این روش الگوی زمانی واکنش یک متغیر وابسته، نسبت به تغییرات متغیر (یا متغیرهای) مستقل مورد توجه قرار می‌گیرد (منظور و نوری اینانلو، ۱۳۸۴: ص ۹ الی ۱۰).

<sup>۱</sup> Augustin Kwasi Fosu  
<sup>۲</sup> WDI  
<sup>۳</sup> Sims  
<sup>۴</sup> Lutkepohl & Reimers  
<sup>۵</sup> Watson & Stock

الگوی FMOLS یک رهیافت نیمه پارامتریک است که توسط فیلیپس و هانسن<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) در داده‌های سری زمانی مطرح شده است و با اعمال اصلاحاتی مانند تصحیح تورش و تصحیح درون‌زایی در روش حداقل مربعات معمولی، مورد استفاده قرار می‌گیرد همچنین پارک و فیلیپ (۱۹۸۸) نشان دادند که این روش دارای مزیت‌هایی است که آن را از روش حداقل مربعات معمولی متمایز می‌کند؛ این مزیت‌ها عبارتند از: فوق سازگار بودن برآوردها، بدون تورش بودن برآوردها به طور مجانبی، دارا بودن توزیع نرمال مجانبی، ارائه انحراف معیارهای اصلاح شده‌ای که امکان استنباط‌های آماری را فراهم می‌کند که آزمون  $t$  برای ضرایب بلندمدت از اعتبار کافی برخوردار است. از دیگر مزیت‌های این روش این است که در نمونه‌های کوچک نتایج کارآتری در مقایسه با روش یوهانسن<sup>۲</sup> می‌دهد و نتایج آن متأثر از طول وقفه نمی‌باشد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۱۳).

همانطور کائو و چیانگ<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) دریافتند که الگوی OLS توزیع نرمال با میانگین غیر صفر دارد در حالی که دو الگوی FMOLS و DOLS توزیع مجانبی نرمال با میانگین صفر دارند. بنابراین در این پژوهش از الگوی FMOLS و DOLS جهت بررسی روابط بلندمدت متغیرها با نابراری استفاده خواهیم کرد.

## ۵. یافته‌های تحقیق

### ۵.۱. بررسی مانایی<sup>۴</sup> و آزمون هم‌جمعی<sup>۵</sup>

قدم اول برای هر تخمینی بررسی مانایی (ایستایی) تمامی متغیرها می‌باشد. طبق جدول شماره (۲) مانایی تمامی متغیرهای به کار برده شده در مدل، با استفاده از آزمون دیکی - فولر<sup>۶</sup> (ADF) که از رایج‌ترین آزمون‌ها جهت مانایی یا نامایی متغیرها می‌باشد، بررسی شده‌اند.

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی به روش دیکی - فولر (ADF) در سطح متغیرها

متغیر	Prob	مانایی یا نامانایی
ضریب جینی	۰,۰۰۸۴	مانا
رشد اقتصادی	۰,۰۰۰۰	مانا
کارآیی دولت	۰,۰۱۲۵	مانا
سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین	۰,۰۰۸۶	مانا
تورم	۰,۰۲۰۲	مانا
رشد نقدینگی	۰,۰۱۱۵	مانا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

طبق جدول شماره (۲) تمامی متغیرهای به کار برده شده در مدل در سطح مانا هستند و ریشه واحد ندارند. و دلیل استفاده از بررسی آزمون مانایی این است که، اگر رگرسیونی با متغیرهای نامانا تخمین زده شود باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود.

قدم دوم برای هر تخمین بررسی آزمون هم‌جمعی (هم‌تابستگی)، بررسی روابط بلندمدت متغیرها است. همانطور که گفته شد تمامی متغیرها در سطح  $(I=0)$  مانا هستند، رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود دارد و در بلندمدت ترکیب خطی این متغیرها بدون روند تصادفی می‌باشد. انجام آزمون هم‌گرایی (هم‌جمعی) لازم نیست ولی ما برای اطمینان حاصل از روابط بلندمدت متغیرها، از آزمون جوهانسن<sup>۷</sup> استفاده شده که نتایج این آزمون که رابطه تعادلی بلندمدت متغیرها را تایید کرده است.

### ۵.۲. تعیین وقفه بهینه

تشخیص تعداد وقفه بهینه در الگوی BVAR از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. که در جدول شماره (۳) برای تشخیص تعداد وقفه بهینه از سه معیار اطلاعات آکائیک<sup>۸</sup>، شوارتز<sup>۹</sup> و حنان کویین<sup>۱۰</sup> استفاده شده است.

جدول (۳): نتایج تعیین وقفه بهینه الگوی BVAR

تعداد وقفه	HQ	SC	AIC
------------	----	----	-----

<sup>۱</sup> Philips & Hansen

<sup>۲</sup> Johansen

<sup>۳</sup> Chiang & Kao

<sup>۴</sup> Stationary

<sup>۵</sup> Cointegration Test

<sup>۶</sup> Augmented Dickey- Fuller

<sup>۷</sup> Johansen

<sup>۸</sup> Akaike information criterion

<sup>۹</sup> Schwarz information criterion

<sup>۱۰</sup> Hannan-Quinn information criterion

۱۱,۷۷۳۳۳	۱۲,۰۳۹۹۶	۱۱,۸۶۵۳۷	۰
*۸,۷۴۵۰۶۶	*۱۰,۶۱۱۴۸	*۹,۳۸۹۳۵۳	۱
۸,۹۰۵۷۹۹	۱۲,۳۷۲۰۰	۱۰,۱۰۲۳۳	۲

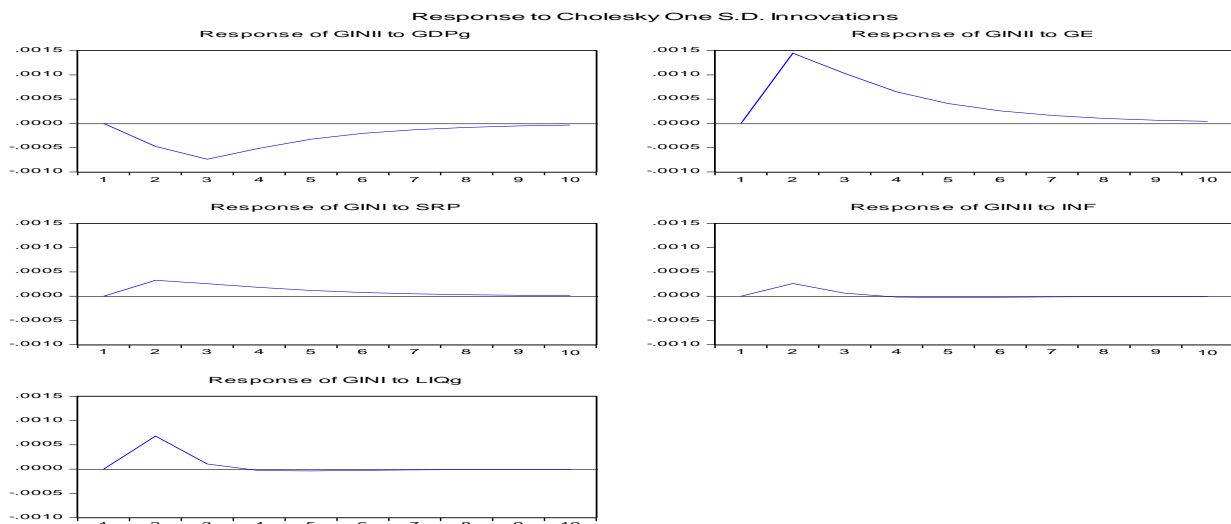
مأخذ: یافته‌های تحقیق

\*: علامت وقفه بهینه است.

بر اساس تمامی معیارهای اطلاعات، وقفه بهینه برای تخمین الگو، وقفه یک ( $K=1$ ) است.

### ۵.۳. الگوی خود رگرسیون برداری بی‌زین VAR<sup>۱</sup> (BVAR) و توابع واکنش ضربه

بعد از بررسی مانایی، هم‌انباشتگی و تعداد وقفه بهینه، متغیرها برای تخمین روش رگرسیون BVAR آماده هستند. در این الگو تمامی متغیرها درون‌زا هستند. هدف ما همانطور که در بخش‌های قبلی گفته شد برآورد اثر متغیرها بر نایبراری است. دلیل نیاوردن روابط و ضرایب در الگوی BVAR و VAR اینست که، ضرایب برآورده شده در الگو به‌طور معمول به‌سختی می‌توان آنها را تفسیر کرد و از توابع عکس‌العمل آنی که رفتار متغیرها در طول زمان مورد بررسی قرار می‌دهد و به مطالعه زمان‌بندی شوک‌های اقتصادی می‌پردازد استفاده می‌شود. به‌طور کلی، از این توابع می‌توان دریافت که شوک‌های وارد شده چه مدت زمانی به طول می‌انجامد و حداکثر اثر این شوک وارد شده در چه دوره زمانی حاصل می‌شود. در شکل (۱) عکس‌العمل متغیر نایبراری (ضریب جینی) نسبت به یک انحراف معیار شوک در متغیرهای رشد اقتصادی، کارآیی دولت، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، تورم و رشد نقدینگی را نشان می‌دهد.



شکل (۱): توابع عکس‌العمل ضربه‌های آنی مبتنی بر چولسکی<sup>۲</sup>

مطابق شکل شماره (۱) اثر شوکی به اندازه یک انحراف معیار از متغیر رشد اقتصادی به متغیر ضریب جینی (نایبراری)، ابتدا نایبراری کاهش می‌یابد تا در سال‌های سوم نایبراری به حداقل خود می‌رسد و پس آن افزایش می‌یابد تا در سال‌های هشتم به بعد میرا می‌شود. با وارد کردن یک شوک به اندازه یک انحراف معیار از متغیر کارآیی دولت به متغیر نایبراری باعث می‌شود که نایبراری ابتدا افزایش یابد تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن کاهش می‌یابد تا در سال‌های هشتم به بعد میرا می‌شود البته این رابطه مثبت کارآیی دولت با نایبراری در مطالعه رضایی و همکاران (۱۳۹۲) که از تجزیه و تحلیل توابع عکس‌العمل آنی الگوی VAR استفاده کرده بودند مشاهده شده است. همچنین با وارد کردن شوک به اندازه یک انحراف معیار از سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به متغیر نایبراری، ابتدا باعث افزایش نایبراری می‌شود تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از سال‌های دوم به بعد کاهش پیدا می‌کند تا در سال‌های هفتم به بعد میرا می‌شود. با وارد کردن یک شوک به اندازه یک انحراف معیار از متغیر تورم به نایبراری، ابتدا باعث افزایش نایبراری می‌شود تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن نایبراری کاهش می‌یابد و در سال‌های سوم به ثبات می‌رسد. و همانطور با وارد کردن شوکی به اندازه یک انحراف معیار از رشد نقدینگی به ضریب جینی، ابتدا تا سال دوم باعث افزایش نایبراری می‌شود و پس از آن نایبراری کاهش می‌یابد تا در سال سوم به ثبات می‌رسد.

<sup>۱</sup> Bayesian Vector Auto regressive

<sup>۲</sup> Cholesky

**۵.۴. تخمین الگوی کمترین مجذورات کاملاً تعدیل شده (FMOLS)**

در این بخش با استفاده از الگوی FMOLS به بررسی اثر رابطه بلندمدت متغیرهای رشد اقتصادی، کارآیی دولت، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، تورم و رشد نقدینگی با نابرابری با توجه به رابطه‌ای که در بخش قبل معرفی شده است، می‌پردازیم که نتایج آن در جدول (۴) آورده شده است.

جدول (۴): نتایج الگوی FMOLS

نام متغیرها	ضریب	آماره t	Prob
$\alpha_1$	۰,۳۰۵۵۳۲	۳۲,۲۶۶۰۸	۰,۰۰۰۰
GDPg	-۴,۲۶E-۰۶	-۰,۰۲۱۴۱۱	۰,۹۸۳۱
GE	-۰,۱۴۰۲۶۴	-۲,۷۰۸۸۲۷	۰,۰۱۱۰
SRP	۰,۰۰۷۱۴۹	۹,۳۰۰۶۹۴	۰,۰۰۰۰
Inf	-۰,۰۰۰۲۵۷	-۱,۹۷۸۲۰۱	۰,۰۵۷۲
Liqg	۰,۰۰۰۲۷۴	۲,۲۳۶۳۹۵	۰,۰۳۲۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۴) نشانگر نتایج تخمین رابطه بلندمدت بین متغیرهایی که در بخش قبل معرفی شده‌اند با نابرابری را نشان می‌دهد؛ که اثر متغیر رشد اقتصادی بر متغیر نابرابری منفی و غیرمعنادار می‌باشد یعنی با یک درصد افزایش در رشد اقتصادی، نابرابری در بلندمدت به طور متوسط ۴,۲۶ درصد کاهش می‌یابد. هم‌چنین اثر متغیر کارآیی دولت بر نابرابری منفی و معنادار است یعنی با یک درصد افزایش در کارآیی دولت، نابرابری در بلندمدت به طور متوسط ۰,۱۴ درصد کاهش خواهد یافت. و اثر متغیر سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین بر متغیر نابرابری مثبت و معنادار می‌باشد یعنی با یک درصد افزایش در سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، نابرابری در بلندمدت به طور متوسط ۰,۰۰۷ درصد خواهد افزود. هم‌چنین اثر متغیر نرخ تورم بر متغیر نابرابری منفی و معنادار است یعنی با یک درصد افزایش نرخ تورم، نابرابری در بلندمدت به طور متوسط ۰,۰۰۰۲ درصد کاهش می‌یابد. از طرف دیگر اثر رشد نقدینگی بر نابرابری مثبت و معنادار است؛ یعنی با یک درصد افزایش در رشد نقدینگی، نابرابری در بلندمدت به طور متوسط ۰,۰۰۰۳ درصد افزایش خواهد یافت.

**۵.۵. تخمین الگوی کمترین مجذورات معمولی پویا (DOLS)**

در این قسمت از مدل DOLS برای بررسی اثر متغیرهای رشد اقتصادی، کارآیی دولت، هزینه‌های دهک دهم به دهک اول (سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین)، تورم و رشد نقدینگی با نابرابری (متغیر وابسته) در بلندمدت با توجه به رابطه‌ای که در بخش قبل معرفی شده (روش تحقیق)، برآورد شده است که نتایج آن در جدول (۵) آورده شده است:

جدول (۵): نتایج حاصل از الگوی DOLS

نام متغیر	ضریب	آماره t	Prob
$\alpha_4$	۰,۲۸۳۳۸۰	۸,۲۷۰۷۸۴	۰,۰۰۰۰
GDPg	-۰,۰۰۱۰۶۴	-۱,۲۲۸۷۱۶	۰,۲۴۱۰
GE	-۰,۰۹۴۹۲۵	-۰,۵۶۵۹۱۷	۰,۵۸۱۱
SRP	۰,۰۰۷۵۰۲	۲,۴۵۱۴۲۸	۰,۰۲۹۱
Inf	-۰,۰۰۰۵۹۸	-۲,۷۶۵۲۰۸	۰,۰۱۶۱
Liqg	۰,۰۰۱۱۳۵	۲,۰۳۳۷۳۲	۰,۰۶۲۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول شماره (۵) حاکی از این است که؛ متغیر رشد اقتصادی رابطه بلندمدت منفی و غیرمعناداری بر متغیر نابرابری دارد و ضریب این متغیر ۰,۰۰۱۰۶۴ برآورد شده است که این ضریب نشانگر این است که با یک درصد افزایش در رشد اقتصادی، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰,۰۰۱ درصد کاهش خواهد یافت. و همین طور اثر متغیر کارآیی دولت رابطه بلندمدت منفی و غیرمعناداری بر متغیر نابرابری را نشان می‌دهد و ضریب برآورد شده ۰,۰۹۴۹۲۵ است یعنی با یک واحد افزایش در کارآیی دولت، نابرابری در بلندمدت به میزان ۰,۰۹ کاهش می‌یابد. ولی رابطه مثبت و معناداری بین سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین با نابرابری در بلندمدت با ضریب ۰,۰۰۷۵۰۲ مشاهده شد به این معناست که به طور متوسط در بلندمدت با افزایش در هزینه دهک دهم به دهک اول

<sup>۱</sup> Fully-modified OLS

<sup>۲</sup> Dynamic OLS



۰،۰۰۷ واحد افزایش خواهد یافت. هم‌چنین درباره نرخ تورم، رابطه بلندمدت منفی و معناداری را بین نرخ تورم با نابرابری با ضریب ۰،۰۰۰۵۹۸ برآورده شد. از طرف دیگر رشد نقدینگی رابطه بلندمدت مثبت و معناداری با نابرابری، با ضریب ۰،۰۰۱۱۳۵ برآورد گردیده است.

#### ۵.۶. جمع بندی برآورد الگوها از تخمین های BVAR, FMOLS, DOLS

در تدوین این پژوهش اثر متغیرهای رشد اقتصادی، کارآیی دولت، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، تورم و رشد نقدینگی با نابرابری را با سه روش رگرسیون برآورد گردیده است در این قسمت می‌خواهیم به مقایسه روابط متغیرها با نابرابری و به تفسیر حاصل از این الگوها بپردازیم که در جدول شماره (۶) خلاصه‌ای از این مقایسه را آورده‌ایم.

جدول (۶): مقایسه روابط متغیرها با نابرابری

نام متغیر	FMOLS	DOLS
<i>GDPg</i>	(-), غیرمعنادار	(-), غیرمعنادار
<i>GE</i>	(-), معنادار	(-), غیرمعنادار
<i>SRP</i>	(+), معنادار	(+), معنادار
<i>Inf</i>	(-), معنادار	(-), معنادار
<i>Liqg</i>	(+), معنادار	(+), معنادار

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج جدول فوق حاکی از این است که؛ در هر سه الگو رابطه منفی بین رشد اقتصادی با نابرابری مشاهده شده است و هم‌چنین رابطه مثبت بین متغیرهای هزینه دهک دهم به دهک اول و رشد نقدینگی با نابرابری مشاهده شده از طرف دیگر در الگوی BVAR رابطه مثبت بین متغیر کارآیی دولت با نابرابری و در دو الگوی FMOLS, DOLS رابطه منفی دیده شده است و رابطه تورم در الگوی BVAR مثبت و دو الگوی FMOLS, DOLS رابطه منفی مشاهده شده است. بر اساس الگوی FMOLS متغیرهای هزینه دهک دهم به دهک اول، رشد نقدینگی، تورم، کارآیی دولت و رشد اقتصادی به ترتیب با نابرابری نقش داشته‌اند. و طبق الگوی DOLS به ترتیب متغیرهای هزینه دهک دهم به دهک اول، رشد نقدینگی، تورم، رشد اقتصادی و کارآیی دولت به ترتیب با نابرابری نقش داشته‌اند.

در هر دو الگوی FMOLS, DOLS رابطه بلندمدت منفی و غیرمعناداری رشد اقتصادی با متغیر نابرابری دارد که طبق توابع عکس العمل آنی شوک وارد شده به اندازه یک انحراف معیار از سوی متغیر رشد اقتصادی به نابرابری، باعث می‌شود که ابتدا نابرابری کاهش یابد تا در سال‌های سوم نابرابری به حداقل خود می‌رسد و پس آن افزایش می‌یابد تا در سال‌های هشتم به بعد میرا می‌شود. لذا بر اساس نتایج سه الگو فرضیه کوزنتس (۱۹۹۵) برای کشور ایران (رابطه مثبت رشد اقتصادی و نابرابری) صدق نمی‌کند.

هم‌چنین کارآیی دولت در هر دو الگو FMOLS, DOLS رابطه بلندمدت منفی را نشان داده ولی در الگوی FMOLS رابطه معنادار و در الگوی DOLS رابطه غیرمعناداری مشاهده شده است و شوک به اندازه یک انحراف معیار از سوی متغیر کارآیی دولت به نابرابری، باعث می‌شود که نابرابری ابتدا افزایش یابد تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن کاهش می‌یابد تا در سال‌های هشتم به بعد میرا می‌شود. همانطور که در نتایج مطالعه رضایی و همکاران (۱۳۹۲) به این موضوع اشاره شده است که در کوتاه‌مدت (بر اساس خروجی رگرسیون برداری) اثر اندازه دولت (کارآیی دولت) بر توزیع درآمد مثبت است، اما در بلندمدت اثر اندازه دولت بیشترین تاثیر منفی را بر نابرابری دارد. بنابراین اتخاذ سیاست‌های ضدانحصار و بسترسازی مناسب و حمایت از بخش خصوصی می‌تواند به کاهش نابرابری یاری رساند. و همانطور که خداپرست و داودی (۱۳۹۲) نحوه هزینه‌کرد دولت‌ها را بسیار مهم دانسته‌اند و در بین هزینه‌های دولت، هزینه‌های صرف‌شده در امور اجتماعی تاثیر بیشتری را در کاهش فقر دارد و در مورد کاهش نابرابری، ارتقای سطح بهداشت و آموزش و هزینه‌های اجتماعی دولت به توزیع بهتر درآمد کمک می‌کند.

در هر دو الگوی رابطه بلندمدت منفی و معناداری بین نرخ تورم با متغیر نابرابری را نشان دادند و بر اساس الگوی BVAR رابطه مثبتی بین تورم با نابرابری وجود دارد که با وارد کردن یک شوک به اندازه یک انحراف معیار از تورم به متغیر ضریب جینی، ابتدا باعث افزایش نابرابری می‌شود تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن نابرابری کاهش می‌یابد و در سال‌های سوم به ثبات می‌رسد. از آنجایی که رابطه بین تورم و نابرابری درآمد به لحاظ نظری مشخص نیست (ولش ۲۰۰۴)<sup>۱</sup> اما این رابطه منفی را که در مطالعاتی مانند بلیندر و ایساک<sup>۲</sup> (۱۹۷۸) و ایونوری<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) که نشان دادند تورم، نابرابری درآمد را کاهش می‌دهد، مشاهده شده است. بنابراین افزایش تورم سبب کاهش قدرت خرید پول می‌شود که این (کاهش قدرت خرید پول) باعث کاهش ارزش حقیقی بدهی اسمی می‌گردد بنابراین توزیع مجدد درآمد از بستکاران به بدهکاران صورت می‌گیرد به عبارت دیگر بدهکاران از تورم نفع می‌برند؛ زیرا دیونی پرداخت می‌کنند که قدرت خرید واقعی آنها کاهش یافته است. از آنجا که فقرا به طور متوسط بدهکار خالص هستند افزایش تورم از این کانال به طور متوسط به نفع فقرا بوده در نتیجه باعث

<sup>۱</sup> Volsch  
<sup>۲</sup> Blinder & Esaki  
<sup>۳</sup> Abounoori

کاهش نابرابری می‌شود (شاگری و همکاران، ۱۳۹۲). از طرف دیگر همانطور که در منحنی فیلیپس رابطه تورم با نرخ بیکاری عکس است لذا کاهش نرخ بیکاری که به صورت مستقیمی رشد اقتصادی و به صورت غیر مستقیمی نابرابری و فقر را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

بین متغیر سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در هر دو الگو FMOLS, DOLS رابطه بلندمدت مثبت و معنا داری با نابرابری دارد لذا شوک وارد شده به اندازه یک انحراف معیار از سوی سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین به ضریب جینی، ابتدا باعث افزایش نابرابری می‌شود تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از سال‌های دوم به بعد کاهش پیدا می‌کند تا در سال‌های هفتم به بعد میرا می‌شود. بنابراین بهتر است که سیاست‌های حمایتی به سمتی باشند که سهم دهک‌های پایین درآمدی را افزایش دهند.

رشد نقدینگی در هر دو الگو FMOLS, DOLS رابطه بلندمدت مثبت و معنا داری با نابرابری دارد. و شوک وارد شده از سوی متغیر رشد نقدینگی به نابرابری باعث شده که، ابتدا تا سال دوم باعث افزایش نابرابری می‌شود و پس از آن نابرابری کاهش می‌یابد تا در سال سوم به ثبات می‌رسد. همانطور که بر اساس آمار و ارقام برای سال‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که پیگیری سیاست‌های پولی انبساطی مقام پولی نه تنها سبب افزایش تقاضا و رشد اقتصادی در برابر رکود تورمی نشده است، بلکه باعث افزایش بی‌ثباتی در نظم بانکی و افزایش تورم و حرکت نقدینگی به سمت فعالیت‌های نامولد شده است (محمودی‌نیا، ۱۳۹۸: ص ۶۴) در نتیجه می‌توان گفت که، این فعالیت‌های نامولد باعث نابرابری بیشتر در کشور می‌شود بنابراین بهتر است که کنترل نقدینگی صورت گیرد تا به کاهش نابرابری منتج شود.

## ۶. نتیجه‌گیری

سه واژه نابرابری، فقر و رشد اقتصادی همیشه و در همه دوران مورد توجه و تفکر اقتصاددانان، اندیشمندان و تقریباً تمامی مکاتب اقتصادی بوده است و تمامی ادیان به ویژه دین اسلام، عمل کردن به نیکی و برقراری عدالت تاکید کرده و هدف انبیا را برقراری عدالت دانسته است. برقراری عدالت و رشد اقتصادی مطلوب مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی بوده است. از طرف دیگر برقراری عدالت با کاهش فقر و نابرابری تعامل دارد و فقر و نابرابری امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشور شناخته شده است و بی‌توجهی به عدالت مهم‌ترین، نقضی است که در جامعه به چشم می‌آید که می‌تواند مشکلات زیان‌باری را برای کشور به وجود آورد. در این مطالعه به ارتباط بین نابرابری، فقر و رشد اقتصادی با رویکرد اسلامی با رهیافت اقتصاد سنجی، که از الگوهای DOLS, FMOLS و همچنین از توابع عکس‌العمل آنی (ضربه و پاسخ) الگوی BVAR جهت بررسی اثر متغیرهای رشد اقتصادی، کارآیی دولت، سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین، تورم و رشد نقدینگی با نابرابری برای دوره زمانی سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۶ استفاده شده است. نتایج حاکی از این است که؛ در هر دو الگو FMOLS, DOLS رابطه بلندمدت منفی و غیرمعداری رشد اقتصادی با متغیر نابرابری دارد که بر اساس توابع عکس‌العمل آنی شوک وارد شده به اندازه یک انحراف معیار از سوی رشد اقتصادی به نابرابری، ابتدا نابرابری کاهش یابد تا در سال‌های سوم نابرابری به حداقل خود می‌رسد و پس آن افزایش می‌یابد. کارآیی دولت هر دو الگو رابطه بلندمدت منفی را نشان داده ولی در الگو FMOLS رابطه معنادار و در الگو DOLS رابطه غیرمعداری مشاهده شده است و شوک به اندازه یک انحراف معیار از سوی متغیر کارآیی دولت به نابرابری، باعث می‌شود که نابرابری ابتدا افزایش یابد تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن کاهش می‌یابد. از طرف دیگر در هر دو الگو رابطه بلندمدت منفی و معناداری بین نرخ تورم با متغیر نابرابری را نشان دادند و با وارد کردن یک شوک به اندازه یک انحراف معیار از تورم به متغیر نابرابری، ابتدا باعث افزایش نابرابری می‌شود تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن نابرابری کاهش می‌یابد و در سال‌های سوم به ثبات می‌رسد. همچنین بین متغیرهای سهم ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین در هر دو الگو رابطه بلندمدت مثبت و معنا داری با نابرابری دارد لذا شوک وارد شده به اندازه یک انحراف معیار از متغیر فوق به متغیر ضریب جینی، ابتدا باعث افزایش نابرابری می‌شود تا سال‌های دوم به اوج خود می‌رسد و پس از آن نابرابری کاهش می‌کند. رشد نقدینگی در هر دو الگو رابطه بلندمدت مثبت و معنا داری با نابرابری دارد. شوک وارد شده از سوی متغیر رشد نقدینگی به نابرابری باعث شده که، ابتدا تا سال دوم باعث افزایش نابرابری می‌شود و پس از آن نابرابری کاهش می‌یابد. همانطور که (بانک جهانی، ۱۹۹۲) حکومت خوب را مکملی ضروری برای سیاست‌های اقتصادی سالم و موجب توسعه مستحکم و عادلانه را می‌داند. بنابراین لازم که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان کلان کشور برای ریشه‌کن کردن فقر و کاهش نابرابری شناخت درستی از عوامل موثر بر آن با توجه به وضعیت و شرایط اقتصادی کشور برای تجزیه و تحلیل بهتر مسائل و اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت مقابله با آن، پیشرفت کشور و بهبود توسعه اقتصادی داشته باشند. لذا اتخاذ سیاست‌های ضدانحصار و بسترسازی مناسب و حمایت از بخش خصوصی، کمک به رفع ضعف فعالیت‌های تولید بخش خصوصی به منظور انباشت سرمایه که می‌تواند به رشد اقتصادی کمک کند که از طریق رشد اقتصادی به کاهش نابرابری منتج می‌شود. کاهش نرخ بیکاری، کنترل رشد نقدینگی، ارتقای سطح بهداشت و آموزش و هزینه‌های اجتماعی دولت، و سیاست‌های حمایتی به سمتی باشند که بتواند سهم دهک‌های پایین درآمدی را افزایش دهند، می‌تواند به کاهش نابرابری و توزیع بهتر درآمد یاری رساند لذا کاهش نابرابری و رشد اقتصادی می‌تواند به کاهش فقر بینجامد.

از راه حل‌های اسلام برای برقراری عدالت می‌توان به وضع مالیات‌های ثابت (خمس و زکات)، ایجاد فرصت‌های مساوی و یکسان برای افراد جامعه، قرار دادن ثروت‌های خاصی که در اختیار حاکم اسلامی است برای مصرف عمومی، توازن و تامین اجتماعی و وضع قوانینی مانند حرمت کزن، ربا، احتکار و ... به توازن اجتماعی یاری رساند، اشاره نمود.

## منابع

- (۱) باقری، ف.، کاوند، ح. (۱۳۸۷). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۴). فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۷۳-۱۹۰.
- (۲) مرتضوی، س.ا.، سراج زاده، ف.، شکوهی، م. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی در مناطق شهری و روستایی کشور: کاربرد منحنی کوزنتس. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۳، شماره ۱، ۱۶۵-۱۸۰.
- (۳) خداپرست، م.، و داودی، آ. (۱۳۹۲). هزینه های دولت و کاهش فقر و نابرابری. فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره ۴، ۳۷-۵۰.
- (۴) پیرائی، خ.، قناعتیان، آ. (۱۳۸۵). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه گیری شاخص رشد به نفع فقیر. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۱۳-۱۴۱.
- (۵) حیدری، ح.، حسن زاده، ا. (۱۳۹۵). رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، ۸۹-۱۲۵.
- (۶) خسرو نژاد، ع.ا. (۱۳۹۱). برآورد فقر و شاخص های فقر در مناطق شهری و روستایی. فصلنامه مدل های اقتصادی، سال ۶، شماره ۲، ۱۸-۳۹، ۶۰.
- (۷) هادی زنور، ب. (۱۳۸۴). فقر و نابرابری در ایران. رفاه اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱۷، ۱۶۲-۲۰۳.
- (۸) فتحانی، ع. (۱۳۸۸). عدالت اقتصادی و راهبردهای مبتنی بر مفهوم. مجله اقتصادی، شماره ۸۹ و ۹۰، ۵۷-۷۴.
- (۹) نظری، ح.ا. (۱۳۸۳). عدالت اقتصادی از نظر افلاطون، ارسطو و اسلام. اقتصاد اسلامی، شماره ۱۴، ۶۳-۷۸.
- (۱۰) صادقی، ح.، باسحا، م.، شقاقی شهری، و. (۱۳۸۷). رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه. فصلنامه علمی- سال پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۳، ۲۷-۴۴.
- (۱۱) صدر، م. ب. (۱۳۷۵). "اقتصادنا"، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
- (۱۲) World Bank. (۱۹۹۲). Governance and Development. Washington, D.C.: The World Bank.
- (۱۳) Kuznets S. (۱۹۵۵), "Economic Growth and Income inequality", the American Economic Review, Vol. ۴۵, No. ۱, PP. ۱-۲۸.
- (۱۴) نیلی، م.، فرح بخش، ع. (۱۳۷۷). ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد. مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵، ۱۲۱-۱۵۴.
- (۱۵) Mahdavi, A. M. H., & Ranjbaraki, A. (۲۰۰۵). Examine the Long-run Relationship between Economic Growth and Income Distribution in Iran. Journal of Economics, (۱۸), ۱۱۳-۱۳۷.
- (۱۶) Varaghaei, A. (۲۰۰۷). The relationship between economic growth and income inequality in Islamic countries (Doctoral dissertation, MSc Thesis, Isfahan University, Faculty of economics).
- (۱۷) پورغفار، ج.، حسین زاده، ح. (۱۳۹۴). تقابل عدالت و کارایی: اندازه گیری تأثیر نابرابری و مالیات ها بر رشد اقتصادی در ایران. مجله اقتصادی، شماره ۱ و ۲، ۳۹-۵۲.
- (۱۸) صدر منوچهری نائینی، ع.ر. (۱۳۷۶). عوامل کلان اقتصادی مؤثر بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، ۱۹-۳۵.
- (۱۹) Perotti, R. (۱۹۹۶). Growth, Income Distribution, and Democracy: What the Data Say. Journal of Economic Growth, ۱(۲), ۱۴۹-۱۸۷.
- (۲۰) Islam, M. R., & McGillivray, M. (۲۰۱۹). Wealth inequality, governance and economic growth. Economic Modelling.
- (۲۱) Rawls, John. (۱۹۹۹), A Theory of Justice, Reuised Edition, Oxford University Press.
- (۲۲) Rawls, John. (۲۰۰۱), Justice As Fariness, Belknap Press of Harvard University Press.
- (۲۳) Nozick, Robert (۱۹۸۹), "The Zigzag of Politics", The Examined Life: Philosophical Meditations. Simon & Schuster, ISBN ۹۷۸-۰-۶۷۱-۷۲۵-۰۱-۳.
- (۲۴) میردال، گ. (۱۳۴۴). "تئوری اقتصادی و کشورهای کم رشد"، غلامرضا سعیدی، تهران، بی نا، چاپ اول.
- (۲۵) قره باغیان، م. (۱۳۷۵). "اقتصاد رشد و توسعه"، تهران، نی، چاپ اول، جلد ۱.
- (۲۶) سعیدی، خ (۱۳۸۶). "نظریه ها و قانون مندی های توسعه"، تهران، کارآفرینان فرهنگ و هنر چاپ اول.
- (۲۷) دادگرو، ی. (۱۳۸۳). "تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی"، قم، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول.
- (۲۸) Alesina, A., & Perotti, R. (۱۹۹۶). Income distribution, political instability, and investment. European economic review, ۴۰(۶), ۱۲۰۳-۱۲۲۸.
- (۲۹) Todaro, M. P. (۱۹۹۷). Economic Development ۶th Edition, New York zeller M and Sharma. ۲۰۰۱. Group Based Financial Institution in the rural poor in Bangladesh, an institutional and Hose hold level analysis. Research report. ۲۰, Washington DC.
- (۳۰) Ravallion, M., Squire, L., & Bruno, M. (۱۹۹۹). Equity and growth in developing countries: old and new perspectives on the policy issues. The World Bank.
- (۳۱) Tabassum, A. ۲۰۰۵. Economic Growth and Income Inequality Relationship: Role of Credit Market Imperfection, CEPR discussion paper, No: ۲۳۰۷.
- (۳۲) Ravallion, M., & Chen, S. (۲۰۰۳). Measuring pro-poor growth. Economics letters, ۷۸(۱), ۹۳-۹۹.
- (۳۳) Son, H. H. (۲۰۰۴). A note on pro-poor growth. Economics letters, ۸۲(۳), ۳۰۷-۳۱۴.
- (۳۴) پیرائی، خ.، قناعتیان، آ. (۱۳۸۵). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری درآمد در ایران: اندازه گیری شاخص رشد به نفع فقیر. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هشتم، شماره ۲۹، ۱۱۳-۱۴۱.
- (۳۵) باقری، ف.، کاوند، ح. (۱۳۸۷). اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری در ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۴). فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۷۳-۱۹۰.

- ۳۶) اشرفی، س.، بهبودی، د.، واعظ مهدوی، م.ح.، و پناهی، ح. (۱۳۹۷). "سه وجهی رشد، نابرابری و فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه"، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۸، شماره ۷۱، صص ۹ تا ۴۴.
- ۳۷) رفیعی، ح.، میرباقری، س. ش.، اکبرپور، ح. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین رشد و عدالت اقتصادی در ایران؛ مقایسه با کشورهای درحال توسعه. چهارمین کنگره بین المللی پژوهش‌های نوین در مطالعات مدیریت، حسابداری و اقتصاد، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- ۳۸) حیدری، ح.، حسن زاده، ا. (۱۳۹۵). رابطه نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال شانزدهم، شماره ۶۳، ۸۹-۱۲۵.
- ۳۹) خداپرست، م.، و داودی، آ. (۱۳۹۲). هزینه‌های دولت و کاهش فقر و نابرابری. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال یکم، شماره ۴، ۳۷-۵۰.
- ۴۰) Brida, J. G., Carrera, E. J. S., & Segarra, V. (۲۰۲۰). Clustering and regime dynamics for economic growth and income inequality. *Structural Change and Economic Dynamics*, ۵۲, ۹۹-۱۰۸.
- ۴۱) Islam, M. R., & McGillivray, M. (۲۰۱۹). Wealth inequality, governance and economic growth. *Economic Modelling*.
- ۴۲) Gunasinghe, C., Selvanathan, E. A., Naranpanawa, A., & Forster, J. (۲۰۱۹). The impact of fiscal shocks on real GDP and income inequality: What do Australian data say?. *Journal of Policy Modeling*.
- ۴۳) Fosu, A. K. (۲۰۱۷). Growth, inequality, and poverty reduction in developing countries: Recent global evidence. *Research in Economics*, ۷۱(۲), ۳۰۶-۳۳۶.
- ۴۴) Sims, C. A. (۱۹۸۰). Macroeconomics and reality. *Econometrica: journal of the Econometric Society*, ۱-۴۸.
- ۴۵) Lutkepohl, H., & Reimers, H. E. (۱۹۹۲). Granger-causality in cointegrated VAR processes The case of the term structure. *Economics Letters*, ۴۰(۳), ۲۶۳-۲۶۸.
- ۴۶) حیدری، ح.، جوهری سلماسی، پ. (۱۳۹۴). عملکرد مدل‌های مختلف خودرگرسیون برداری بیزی جهت پیش‌بینی متغیرهای کلان اقتصادی ایران: کاربرد روش نمونه‌گیری گیبس. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال ۲۰، شماره ۶۲، ۵۷-۷۹.
- ۴۷) Stock, J.H. & Watson, M.W. (۱۹۹۳). "A simple estimator of cointegrating vectors in higher order integrated systems". *Econometrica*, ۶۱, pp ۷۸۳-۸۲۰.
- ۴۸) منظور، د.، نوری اینانلو، ع. (۱۳۸۴). تخمین تابع تقاضای انرژی خانگی در ایران: رویکرد حداقل مربعات معمولی پویا. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۷، ۸-۲۱.
- ۴۹) مهدوی، ا.، طاهری هنجی، م.، شس الاحرار، ف. (۱۳۹۶). تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب حوزه خاورمیانه (با تأکید بر مدل‌های رشد درونزا). فصلنامه اقتصاد کاربردی، دوره ۷، شماره ۲۰، ۱۱-۲۲.
- ۵۰) Kao, C., & Chiang, M. H. (۲۰۰۰). On the estimation and inference of a cointegrated Regression in panel data. En: *Nonstationary Panels, Panel Cointegration and Dynamic Panels*, ۱۵, ۱۷۹-۲۲۲.
- ۵۱) Kuznets S. (۱۹۵۵), "Economic Growth and Income inequality", the *American Economic Review*, Vol. ۴۵, No. ۱, PP. ۱-۲۸.
- ۵۲) رضایی، ا.، حسین زاده، ج.، فرامرزی، ا.، یزدان خواه، م. (۱۳۹۲). تاثیر اندازه‌ی دولت بر توزیع درآمد در ایران. فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال ۱، شماره ۴، ۲۱-۳۶.
- ۵۳) Volscho Jr, T. W. (۲۰۰۴). Income distribution in ۱۴ OECD nations, ۱۹۶۷-۲۰۰۰: evidence from the Luxembourg Income Study (No. ۳۸۶). LIS Working Paper Series.
- ۵۴) Blinder, A. S., & Esaki, H. Y. (۱۹۷۸). Macroeconomic activity and income distribution in the postwar United States. *The Review of Economics and Statistics*, ۶۰۴-۶۰۹.
- ۵۵) شاکری، ع.، جهانگرد، ا.، اقلامی، س. (۱۳۹۲). اثر غیر خطی تورم بر نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال ۱۳، شماره ۴، ۲۷-۵۳.
- ۵۶) محمودی نیا، د. (۱۳۹۸). سیاست‌های پولی بانک مرکزی و نقش آن در بروز بحران‌های بانکی اقتصاد ایران در چارچوب شاخص تعدیل شده فشار بازار پول. فصلنامه پژوهش‌های و سیاست‌های اقتصادی شماره ۸۹، سال ۲۷، ۶۱-۹۷.